

جایگاه قانونی مجمع تشخیص مصلحت

نقل از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

اصل... وظایف مجمع تشخیص مصلحت عبارت است از:

۱. تشخیص مصلحت نظام در موارد احکام حکومتی در صورتی که پس از طی مراحل قانونی، بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان توافقی حاصل نشود.

۲. آرایه نظرات مشورتی به رهبر درباره مسایل مربوط به وظایف و اختیارات رهبری؛

۳. انجام وظایف دیگری که با توجه به اصل ۱۱۰ و ۱۱۱ مکرر بر عهده آنان قرار دارد.

در مجموع سه جلسه از ۴۱ جلسه شورای بازنگری قانون اساسی

از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولاً ثمره انقلاب و خون شهدا و ثانیاً سند وفاق ملی است و ثالثاً احیای قانون و استفاده از ظرفیت‌های خالی آن سرلوحه اصلاحات رئیس جمهور منتخب است، لذا به عنوان یک امر راهبردی بر آنیم تا گام‌هایی در جهت یادگیری و آموزش آن برداریم.

به همین منظور مصاحبه‌های مکتوبی با برخی از صاحب‌نظران و حقوق‌دانان در خصوص جایگاه و وظایف قانونی «مجمع تشخیص مصلحت» انجام داده‌ایم که بخشی از آن به همراه خلاصه‌ای از مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی در این زمینه، از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. امید

آقای امامی کاشانی در مخالفت با کیفیت مصوبه کمیسیون می‌گوید: «بنده با توجه به یک سطر عبارتی که حضرت امام در وصیت‌نامه مرقوم فرموده‌اند، اصلاً شأن مجمع تشخیص مصلحت را دیگری فایده می‌بینیم؛ چون اصلاً سر این، همان اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان است. در وصیت‌نامه حضرت امام این سطر آمده که شورای نگهبان در کارهای ضروری و امور ضروریات کشور با توجه به احکام ثانویه و ولایت فقیه، آن وظایف خودش را انجام بدهد.»

که به بحث پیرامون مجمع تشخیص مصلحت اختصاص می‌یابد، نظرات گوناگون و مباحث مختلفی مطرح می‌شود که در نهایت به تصویب اصل ۱۱۲ قانون اساسی می‌انجامد.

در اینجا بر آنیم تا خلاصه‌ای از آنچه را که در شورای بازنگری گذشت، خدمت خوانندگان محترم ارائه کنیم. به امید آن که بتوانیم فضای آن مجموعه را به خوبی ترسیم کرده باشیم. که شاید بتواند معیاری باشد جهت اظهار نظر و قضاوت در مورد مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ آن چه که تصور می‌شد و منظور نظر بود و آن چیزی که در حال حاضر وجود دارد. کلمه‌ها و عباراتی که در میان دو قلاب آمده، به منظور سهولت در خواننده به متن‌نامه‌ها اضافه شده و در اصل آن‌ها نیست.

آقای موسوی اردبیلی، دلایل توجیهی مصوبه کمیسیون را چنین بیان می‌کند: «... بیشتر از نوشته‌های حضرت امام استفاده شده.

است در این راه، خوانندگان با برخورد فعال ما را یاری فرمایند. اصل ۱۱۲ قانون اساسی در شورای بازنگری چگونه به تصویب رسید؟

در آغاز نخستین جلسه‌ای که به بحث پیرامون مجمع تشخیص مصلحت نظام اختصاص می‌یابد، آقای موسوی اردبیلی رئیس کمیسیون مربوطه در شورای بازنگری، مصوبه اولیه کمیسیون را در جمع اعضای شورا چنین قرائت می‌کند:

«اصل... مجمع تشخیص مصلحت به دستور مقام رهبری از

اعضای ذیل تشکیل می‌گردد:

الف. فقهای شورای نگهبان؛

ب. رؤسای سه قوه؛

ج. وزیر مربوط؛

د. دو نفر صاحب‌نظر به انتخاب رهبر.

کمیسیون نظارش این بود که به همان نحو اکتفا شود و هم راجع به وظایف در نامه‌ای که حضرت امام نوشته بود، آن جا یک کلمه حل معضلات هم بود... به نظر رسید که حل معضلات را دو جور می‌شود معنا کرد: یکی حل معضلات همان وظیفه اول باشد؛ یعنی مشکلاتی که مابین شورای نگهبان و مجلس پیش می‌آید و راه حل پیدا نمی‌شود یا بگوییم مطلق معضلات... به نظر رسید ما حالا آن را اعم بگیریم؛ برای این که حد و حدود معینی نتوانستیم برایش پیدا کنیم... بالاخره کمیسیون بعد از مشاوره به این جا رسید [که] منظور از حل معضلات را این جور معنا کنیم؛ یعنی معضلاتی که مابین شورای نگهبان و مجلس پیش می‌آید و آرایه نظرات مشورتی، با توجه به نوشته حضرت امام... «آقای امامی کاشانی در مخالفت با کیفیت مصوبه کمیسیون می‌گوید: «بنده با توجه به یک سطر عبارتی که حضرت امام در

آقای محمد یزدی در موافقت با این اصل و کلیات آن و مخالفت با نظرات آقای امامی کاشانی چنین اظهار نظر می‌کند: «... این مخالفت، مخالفت درستی نیست، چون این، از این مرحله گذشته و بحث در کلیات معنایش این است که اصل، وجود مجمع تشخیص مصلحت هست... این اولاً. ثانیاً این که ایشان اصرار دارند که بفرمایند آن کاری که به عهده مجمع تشخیص مصلحت است، به عهده شورای نگهبان است، من تعجب می‌کنم که این اصرار را در شورا هم یکی - دو بار فرمودند. ما هم خدمت‌شان عرض کردیم که قطعاً چنین چیزی نیست. وظایف شورای نگهبان در قانون اساسی با صراحت بیان شده، هیچ ابهام و اجمالی ندارد...»

است که در این مسایل، شورای نگهبان برود کارشناسی کند... این است که من مخالفم با مجمع تشخیص مصلحت کلاً، مگر این که بگوییم چون حضرت امام فرموده‌اند... راجع به معضلات دیگر و مشاوره در اموری که بایستی با رهبری مشاوره داشته باشد [تشکیل شود].»

آقای محمد یزدی در موافقت با این اصل و کلیات آن و مخالفت با نظرات آقای امامی کاشانی چنین اظهار نظر می‌کند: «... این مخالفت، مخالفت درستی نیست، چون این، از این مرحله گذشته و بحث در کلیات معنایش این است که اصل، وجود مجمع تشخیص مصلحت هست... این اولاً. ثانیاً این که ایشان اصرار دارند که بفرمایند آن کاری که به عهده مجمع تشخیص مصلحت است، به عهده شورای نگهبان است، من تعجب می‌کنم که این اصرار را در شورا هم یکی - دو بار فرمودند. ما هم خدمت‌شان عرض کردیم که قطعاً چنین چیزی نیست. وظایف شورای نگهبان در قانون اساسی با صراحت بیان شده، هیچ ابهام و اجمالی ندارد. شورای نگهبان فقط حق دارد مصوبات مجلس را بررسی کند و ببیند که این مصوبات آیا مطابق شرع هست یا نیست یا به عبارت دیگر مخالف شرع نباشد؛ حتی مطابقت هم لازم نیست تصریح بکند. بیشتر از این وظیفه ندارد که بگوید این مخالف شرع نیست و یا از نظر قانون اساسی بگوید این مخالف قانون اساسی نیست. لازم نیست که اثبات کند موافق شرع هست یا موفقی قانون

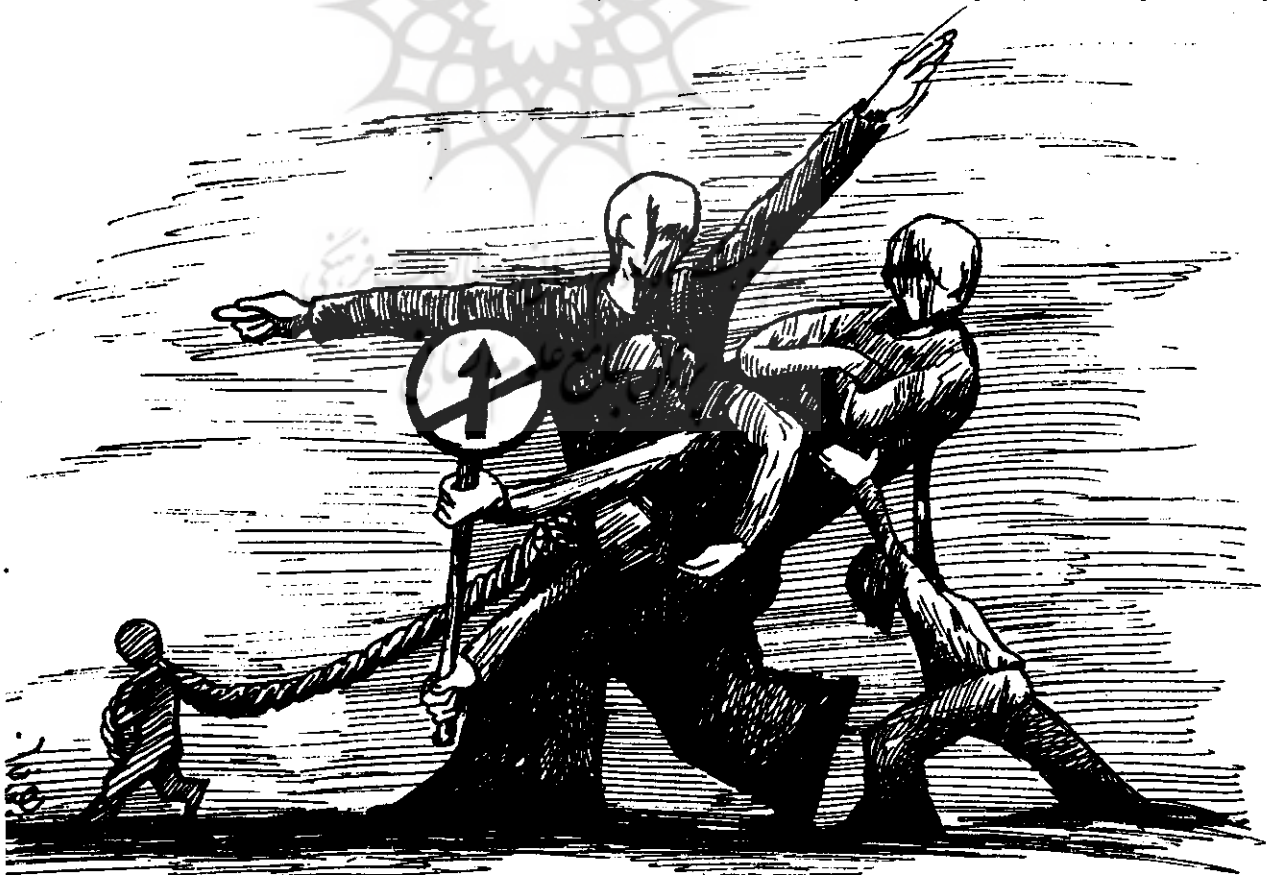
وصیت‌نامه مرقوم فرموده‌اند، اصلاً شأن مجمع تشخیص مصلحت را دیگر بی‌فایده می‌بینیم؛ چون اصلاً سر این، همان اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان است. در وصیت‌نامه حضرت امام این سطر آمده که شورای نگهبان در کارهای ضروری و امور ضروریات کشور با توجه به احکام ثانویه و ولایت فقیه، آن وظایف خودش را انجام بدهد. آن چیزی که [تاکنون] در شورای نگهبان از نظر فقهی مطرح نبوده همین است. در آن جا تاکنون نظر آقایان بر این بوده که مغایر با قانون اساسی و مغایر با شرع مقدس اسلام را از نظر احکام اولیه باید بررسی کنیم و اما این که ضروریات کشور را - اموری که برای مملکت پیش می‌آید با توجه به احکام ثانویه و احکام حکومتی و ولایت فقیه و این‌ها - این وظیفه ما نیست... بنده خودم به حساب این که در قانون اساسی دارد که «۶ نفر فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان»، گاهی در شورا عرض می‌کردم که به نظر من ما می‌توانیم در احکام حکومتی و احکام ثانویه نظر بدهیم. دوستان ما هم نوعاً می‌فرمودند «نه» و ما هم دلیلی برای [این که] رد کنیم آن «نه» را نداشتیم...

به هر حال در شورای نگهبان آن چیزی که مطرح است از نظر بررسی قوانین و مصوبات مجلس [قیاس و سنجش] با احکام اولیه است. [درباره] احکام ثانویه و احکام حکومتی که ولایت فقیه و امثال این‌ها باشد، اصلاً عقیده شورای نگهبان بر این است که به هیچ وجه نمی‌تواند رسیدگی کند. آن روز اول هم در شورای بازنگری عرض

اساسی هست... البته در مخالفت شرع هم احکام اولیه وجود دارد، هم احکام ثانویه وجود دارد و هر دو شرع است... این معنایش نیست که شورای نگهبان در مقام رسیدن به این مطلب که این قانون مخالف شرع یا مخالف قانون اساسی نیست، حق مصلحت‌اندیشی دارد؛ خیر چنین حقی را ندارد. مصلحت‌اندیشی معنایش این است که صرف نظر از قوانین، صرف نظر از ضوابط شرعی، مصلحت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر مصلحت را اگر یک مقدار قدر متقینش را بخواهیم بگیریم، یعنی موارد ضرورتی که ما به دلیل ضرورت و به دلیل مصلحت می‌خواهیم از مرزها بگذریم؛ می‌خواهیم از یک قانون شرعی یا از یک قانون اساسی بگذریم؛ یعنی یک خلاف شرع را مرتکب بشویم و یک خلاف قانون را مرتکب بشویم به دلیل مصلحت. مثلاً شما وقتی که حکم می‌کنید درباره این که فلان وجه را از فلان شخص باید بگیرید یا از فلان جمع باید بگیرید یا فلان فرد نباید از کشور خارج بشود یا کار دیگری را که بر اساس مصلحت انجام می‌دهید، در حالی که قانون اساسی جلوتان را می‌گیرد یا شرع جلوتان را می‌گیرد، در مقام تشخیص مصلحت یعنی شما این را باید بسنجید که اگر این کار را نکنید چه زیانی برای نظام دارد. اگر برای نظام زیان دارد، برای حفظ نظام این کار را انجام می‌دهید، ولی خلاف شرع است و به همین دلیل مصوبات تشخیص مصلحت موقت است و دائم نیست. اما مصوبات مجلس و شورای نگهبان - که تأیید می‌کند - دائم و ثابت است. نفس دوام و ثبات در مصوبات مجلس و تأیید شورای نگهبان و موقت بودن در شورای تشخیص مصلحت، بهترین دلیل بر این است که مصوبات

تشخیص مصلحت، براساس قانون ضرورت است...
... آقایانی که عضو شورا [ی نگهبان] هستند - [که] اکثرأ یا همه‌شان این‌جا تشریف دارند - [می‌دانند] که همین الان در دستور کار مجمع تشخیص، مسائلی وجود دارد که به اتفاق، مجمع معتقد است که نمی‌بایست به مجلس بیاید و در انتظار عمومی و تریبون آزاد و بحث‌های آزاد باشد. مصلحت کشور اجازه نمی‌دهد چنین بحث‌هایی را...»

دیدگاه بعدی مربوط به آقای اسدالله بیات است که ایشان در مخالفت با کیفیت مصوبه کمیسیون - و نه اصل تشکیل مجمع تشخیص مصلحت - چنین عنوان می‌کند: «... مخالفت من این است که این چیزی که ما الان در این‌جا داریم با دستوری که حضرت امام مرقوم فرمودند - با آن - نمی‌خواند. جناب آقای یزدی هم اشاره نکنند که با اصلش مخالف‌اید؛ خیر، اصل مجمع را ما قبول داریم... عبارتی که حضرت امام دارند این است: «تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد»... مثلاً بنده با حضور فقهای شورای نگهبان [در مجمع] موافقم اما نه با شش نفرشان... بنده رؤسای کمیسیون‌های [مجلس] را در رابطه با کارشناسی، ضعیف‌تر از فقهای شورای نگهبان نمی‌دانم... مضافاً بر این در ذیل [نامه امام] آمده است که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد. این تصریح نص است. دو - سه تا در این‌جا [در مصوبه کمیسیون] کار به عهده تشخیص مصلحت داده شده است، این در عرض قوای دیگر است. بنده با این هم مخالفم که یقیناً یک



سری کارها که در عبارت حاج آقا یزدی هم [آمد؛] یک سری کارها در مجلس مطرح نشود؛ در دستگاه‌های دیگر مطرح نشود، ماده نفر، پنج نفر بنشینند در آن جا بگویند که ما تصمیم گیرنده هستیم. امام می‌گوید در عرض قوای دیگر نباشد. قانون‌گذاری نمی‌تواند داشته باشند. حتی به عنوان تصمیم گیرنده و خط دهنده به رهبر نمی‌توانند باشند... [این که] اما بیاییم در رابطه با بعضی از مسایل، اختیارات بیشتری به آن‌ها بدهیم، به نظر من با فرمان امام نمی‌خواند...»

دکتر نجفقلی حبیبی در مخالفت با مصوبه اولیه کمیسیون می‌گوید: «جناب آقای یزدی توضیحاتی دادند راجع به مجمع تشخیص مصلحت... آن مسئله که در یک مورد خاصی لازم است به لحاظ‌های مختلف یک جمع محدودی بنشینید تصمیم بگیرند و نمی‌شود آورد مثلاً در مجلس یا جاهایی از این قبیل، چنین بر می‌آید که قدرت

شورای نگهبان تشکیل می‌شود. خوب چه کسی است که منکر بشود که احکام ثانوی هم حکم اسلام‌اند یا احکام حکومتی هم حکم اسلام‌اند. این جا هم که نگفته احکام ثانوی یا اولی، یعنی هیچ قیدی ندارد، کاملاً مطلق است. به هر حال این مسئله همچنان مبهم باقی مانده و اگر تا حالا لااقل این مسئله یک جور حل شده بود، شاید بسیاری از مشکلات ما حل می‌شد و امام حتی شاید معلوم نبود که در آن بحران جنگ مجبور می‌شدند که مجمع تشخیص مصلحت را به آن صورت تشکیل بدهند که بعداً فرمودند ما برمی‌گردیم به قانون اساسی...» به دنبال اظهارنظرهای فوق، آقای موسوی اردبیلی به عنوان یکی از اعضای کمیسیون در موافقت با مصوبه اولیه و مراحل و منابع تدوین آن توضیح می‌دهد: «نامه‌ای است نوشته شده از طرف رؤسای سه قوه، حاج احمد آقا هم آن را امضاء کرده‌اند؛ تاریخش هم در ۶۶/۱۱/۱۴ است.»

دیدگاه بعدی مربوط به آقای اسدالله بیات است که ایشان در مخالفت با کیفیت مصوبه کمیسیون و نه اصل تشکیل مجمع تشخیص مصلحت - چنین عنوان می‌کند: «... مخالفت من این است که این چیزی که ما الان در این جا داریم با دستوری که حضرت امام مرقوم فرمودند - با آن - نمی‌خواند. جناب آقای یزدی هم اشاره نکنند که با اصلش مخالف‌اید؛ خیر، اصل مجمع را ما قبول داریم... عبارتی که حضرت امام دارند این است: «تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد»

قانون‌گذاری را به این مجمع واگذار کرده‌اند. در حالی که در این وظایفی که این‌جا منظور کرده‌اند، اصلاً چنین چیزی عملاً ذکر نشده، ولی ظاهراً نظر آقایان این است که چنین چیزی باشد...

مسئله دوم هم همان مسئله‌ای است که آقای بیات هم اشاره کردند [که مجمع] به عنوان بازوی مشورتی باشد؛ این هم با این که بخواهد قانون‌گذاری بکند [تفاوت دارد] و یا این‌جا تشخیص مصلحت نظام در مورد احکام حکومتی، اگر می‌خواهد بعد از این که توافق‌هایی حاصل نشده بین مجلس و شورای نگهبان، حالا [مجمع] تشخیص مصلحت نظام یک بار نظر مشورتی می‌خواهد بدهد که بعد رهبری تصمیم بگیرد یا ارجاع بدهند به مجلس یا به شورای نگهبان برای تصمیم قطعی، بسیار خوب، اما اگر بخواهد خودش تصمیم بگیرد، یعنی دارد قانون‌گذاری می‌کند، [و این] با این عبارت تشخیص جور در نمی‌آید... در قسمت تشخیص مصالح جامعه و مصادیق، و حتی در آن بخش پیش‌بینی امور یا تعیین سیاست، احتیاج به تخصص‌های مختلف وجود دارد و متأسفانه در این طرح که آقایان منظور کرده‌اند [مصوبه اولیه کمیسیون] که فقهای شورای نگهبان و رؤسای سه قوه و وزیر مربوطه و حداکثر دو نفر صاحب‌نظر به انتخاب رهبر با توجه به تنوع موضوعاتی که به مسایل سیاست کلی کشور مربوط است و به مصالح کشور مربوط می‌شود... طبیعتاً احتیاج دارد به تخصص‌های مختلف و متنوعی...

در اصل نود و یکم گفته شده به منظور پاسداری از احکام اسلام،

«در سایه اظهارات اخیر آن وجود مبارک که از لحاظ نظری، مشکلاتی که در راه قانون‌گذاری و اداره جامعه اسلامی به چشم می‌خورد برطرف شد، و همان‌گونه که انتظار می‌رفت این راهنمایی‌ها مورد اتفاق صاحب‌نظران قرار گرفت. مسئله‌ای که باقی مانده، شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام دولتی است... اطلاع یافته‌ایم که جناب عالی در صدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی یا تشخیص مصلحت نظام و جامعه حکم حکومتی را بیان نماید. در صورتی که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید، با توجه به این که هم اکنون موارد متعددی از مسایل مهم جامعه بلا تکلیف مانده سرعت عمل مطلوب است.»

حضرت امام در جواب این نامه در تاریخ ۶۶/۱۱/۱۷ نوشته‌اند: «گرچه به نظر این جانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان - که در تشخیص این امور مرجع هستند - احتیاج به این مرحله نیست، لیکن برای غایت احتیاط در صورتی که بین مجلس و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافقی حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام خامنه‌ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی‌ها و آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع، مورد عمل قرار گیرد. احمد در مجمع شرکت می‌نماید.»

«... خدمت حضرات آقایان محترم مجمع تشخیص مصلحت. با سلام و دعا و آرزوی موفقیت برای آن مجمع محترم، از آن جا که وضعیت جنگ به صورتی در آمده که هیچ مسئله‌ای آن چنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و نظارت شورای محترم نگهبان مستقیماً در آن مجمع طرح گردد، لازم دیدم نکاتی را متذکر شوم: آن چه تاکنون در جمع تصویب شده... به قوت خود باقی است... بعد تذکر پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند؛ چرا که یکی از مسایل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری هاست. حکومت فلسفه عملی برخوردار با شرک و کفر و معضلات داخل و خارجی را تعیین می‌کند.»

بنابراین اصولش [تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام] مستقیماً

با آن توسعه سر کارشناسی؛ یعنی مجلس یک جای کارشناسی است، شورای نگهبان هم می‌شود یک جای کارشناسی. تحقیقاً این دو مرکز کارشناسی با هم اختلاف پیدا می‌کنند. خب این موارد اختلاف را چه بکنیم؟ یعنی بیشتر می‌شود موارد اختلاف و البته ما تناقضی هم بین این وصیت‌نامه و این دستور نمی‌بینیم. آقای یزدی این را توضیح دادند. هیچ اشکالی ندارد شورای نگهبان همین حالا هم احکام ثانوی را و مسایل خاص زمانی را در نظر بگیرد... اشکالاتی که آقایان کردند بعضی‌هاش وارد بود، اما اشکال به اصل نیست. آقایان باید رأی بدهند به کلیات، پیشنهادشان را در شور دوم بدهند و الا کل یک مسئله را به خاطر این جزئیات نباید ما رد بکنیم. هم دستور امام است؛ هم در زمان امام به آن عمل شد؛ هم ایشان دادند برای بعداً در قانون اساسی پیش بیاید. حالا این حرف آخری که آقای خوئی‌ها فرمودند که اصلاً این

نجفقلی حبیبی در مخالفت با مصوبه اولیه کمیسیون می‌گوید: «جناب آقای یزدی توضیحاتی دادند راجع به مجمع تشخیص مصلحت... آن مسئله که در یک موارد خاصی لازم است به لحاظ‌های مختلف یک جمع محدودی بنشینید تصمیم بگیرند و نمی‌شود آورد مثلاً در مجلس یا جاهایی از این قبیل، چنین بر می‌آید که قدرت قانون‌گذاری را به این مجمع واگذار کرده‌اند. در حالی که در این وظایفی که این جا منظور کرده‌اند، اصلاً چنین چیزی عملاً ذکر نشده، ولی ظاهراً نظر آقایان این است که چنین چیزی باشد...»

از حضرت امام گرفته شده... آن اشکالات اصلی را من فکر می‌کنم رویش اصلاً بحث نکنیم بهتر است...»

در ادامه، آقای موسوی خوئی‌ها با بخش‌هایی از مصوبه اولیه کمیسیون مخالف می‌کند. ایشان معتقد است: «... اصلاً ما چرا او را [رهبری] را محدود کنیم؟ می‌گوییم ۶ نفر فقهای شورای نگهبان، واقعاً شاید رهبری عقیده‌اش باشد این ۶ نفر تخصص در این مسایل ندارند که بیایند آن‌جا نظر بدهند... بگوییم انتخاب [افرادش] با رهبری، هر کسی را که خواست انتخاب می‌کند...»

به دنبال اظهارنظرهای فوق، آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان موافق صحبت می‌کند: «این مصوبه هم مثل یکی از مصوبات ما دارد مظلوم می‌شود در این جلسه. از اعضای کمیسیونش بیشتر مخالفت می‌کنند. اشکالاتی که تا به حال شد؛ اشکال آقای امامی مخالفت با کلیات و اصلش بود. می‌شد هم این چنین مخالفتی بشود به همین دلیل که ایشان فرمودند. منتها مخالفت‌شان دلیل درستی نداشت. ایشان عمده مخالفت‌شان این بود چون امام در وصیت‌نامه شان فرمودند شورای نگهبان ضرورت‌ها را و احکام حکومتی و این‌ها را در نظر بگیرد، بنابراین کار مجمع را خود شورای نگهبان می‌کند دیگر. اگر همین حق را هم فرض کنیم که شورای نگهبان داشته باشد و خوب هم هست داشته باشد - ما حرفی نداریم - تازه در همین مورد اول اختلاف است. الان اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان سر تشخیص حکم شرعی یا تشخیص قانون اساسی است. بعداً می‌شود

چون می‌خواهد از اختیارات رهبری استفاده بکند، ترکیب را بگذاریم به اختیار رهبری، نه این اصلاً جنبه مشورتی ندارد. این نظری که مجمع می‌دهد، خودش لازم‌الاجراست بدون تأیید رهبری... ما الان بسیاری از کارها را داریم در نظام انجام می‌دهیم که این‌ها شأن رهبری است، ولی در قانون داده‌ایم به جاهای دیگری، با تنفیذ رهبری دارد انجام می‌شود. بنابراین هیچ اشکالی ندارد که ما یک جایی را تعیین کنیم که حتی در صورتی که رهبری تأیید نکند، آن اجرا بشود. یک نوع داوری است بین مجلس و شورای نگهبان. آن که آقای امامی می‌گفتند، خود شورای نگهبان تبدیل می‌شود به یک مجلسی مثل مجلس سنا در مقابل مجلس شورا... حالا ما تنها یک راه پیدا کرده‌ایم و آن داوری است. خیلی خوب یا بیایید کلاً داوری را به رهبر بدهید که خوب امام این را نخواستند، امام چیز دیگری به ما دستور دادند ما هم داریم اجرا می‌کنیم... اصل مسئله را خیال می‌کنم ناچاریم بپذیریم. دستور امام را زمین نزنیم. تجربه ما هم این را می‌گوید. [به نظر] من به عنوان یکی از کسانی که در این مسئله صاحب تجربه هستم - چون در مجلس دائماً با شورای نگهبان کار داشتیم - این بن بست بدون این مجمع نمی‌شکند.»

آقای عبدالله نوری هم در یک اظهارنظر نسبتاً مختصر می‌گوید: «... ما الان در قانون اساسی می‌خواهیم ترکیب را بیاوریم، یعنی در قانون اساسی می‌خواهیم یک چیز ثابت لایتغیری را درست کنیم. این به نظر نمی‌رسد صلاح باشد که ما بگوییم بله ما یک دانه مجمع

تشخیص مصلحت داریم، ترکیب ثابتش هم همین ترکیب است که این ترکیب در مسایل امنیتی و سیاسی و چه و چه من جمله احکام، همین ترکیب می‌خواهد نظر بدهد. من فکر می‌کنم مناسب‌ترین شکل الان در این بحث این باشد که اگر بناست بیاید، ما اصل مجمع را بیاوریم، وظایفش را هم بیاوریم، ترکیبش را بگذاریم در اختیار مقام معظم رهبری...» یکی از مواردی که درباره آن بحث‌های نسبتاً طولانی در جلسه سی‌وهفتم شورای بازنگری صورت می‌گیرد، واژه «حکم حکومتی» بود که در مصوبه اولیه کمیسیون پیشنهاد شده بود. از جمله آقای موسوی اردبیلی در مخالفت با پیشنهاد حذف این واژه می‌گوید: «...اگر ما مقیدیم به این که بینیم به ما چه ارجاع شده، مجمع تشخیص مصلحتی که در نظر امام بوده، این در موارد حکم حکومتی بوده...» آقای مشکینی به‌عنوان موافق حذف، سخن می‌گوید: «...این حکم

نگهبان است که می‌خواهد تفسیر کند. می‌گویند ما در تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی نگفتیم بیاید سراغ شورای تشخیص مصلحت، این در اختیار آن‌جا نیست. می‌ماند موارد احکام حکومتی که حداقل بنده نمی‌دانم که احکام حکومتی وقتی رفتیم در قالب قانون و چیزی که به صورت قانون تصویب شده و آمده شورای نگهبان و همین مراحل را گذرانده یعنی چه؟...»

آقای مؤمن، مخبر کمیسیون مربوطه در دفاع از مصوبه کمیسیون واژه احکام حکومتی و در مخالفت با پیشنهاد آقای مشکینی عنوان می‌کند: «...این مقدماتی را که حاج آقا مشکینی در تبیین پیشنهاد داشتند ظاهراً کم‌لطفی است. یعنی این‌طور نیست که قانون اساسی به منزله کتاب و سنت باشد و نمایندگان استنباط کنند... در قانون اساسی اگر بخواهیم حساب کنیم یک اصول کلیه‌ای است و اگر

موسوی خوینی‌ها با بخش‌هایی از مصوبه اولیه کمیسیون مخالف می‌کند. ایشان معتقد است: «...اصلاً ما چرا او را [رهبری را] محدود کنیم؟ می‌گوییم ۶ نفر فقهای شورای نگهبان، واقعاً شاید رهبری عقیده‌اش باشد این ۶ نفر تخصص در این مسایل ندارند که بیایند آن‌جا نظر بدهند... بگوییم انتخاب [افرادش] با رهبری، هر کسی را که خواست انتخاب می‌کند...»

بخواهیم تشبیه کنیم نظیر آن روایت صحیح زراره است که پیغمبر (ص) را خداوند ادب [کرد] و به مرحله کمال رسید آن وقت فوض الیه امر دینه است که هر طور خودش مصلحت می‌داند تنظیم کند. منتها این که قانون اساسی همچون شرع یک ضوابط کلی است که آقایان نمایندگان باید در آن مصلحت‌اندیشی‌هایی که می‌کنند این را رعایت کنند، نه این که هر چه قرار می‌دهند از قانون اساسی استفاده بشود. قانون اساسی و همچنین شرع یک حد و مرزهایی است که نباید از آن تجاوز بکنند، نه از استفاده بکنند...»

به‌دنبال مباحث فوق، آقای امامی کاشانی پیشنهادی را مطرح می‌کند و عبارت «احکام ثانویه و گاهی ولایت فقیه» را به ماده‌ای که واژه حکم حکومتی در آن گنجانده شده، اضافه می‌کند و در تشریح آن می‌گوید: «... این معنای آن جمله‌ای است که در پیام‌های اخیرشان [اشاره به پیام‌های امام در مورد مجمع تشخیص مصلحت] بود که ضرورت زمان و مکان را بیاورند و این که ما بیاوریم و فقهای شورای نگهبان فکر بکنند که باید با احکام اولیه کار بکنند و احکام ثانویه را نمی‌توانند واردش بشوند، این به معنای کم محتوا شدن شورای نگهبان است...»

آقای موسوی خوینی‌ها، مخالف اضافه کردن این واژه‌هاست و می‌گوید: «من فقط از این زاویه اشکال به مطلب ایشان دارم که با این بیان، ایشان شورای نگهبان را هم می‌خواهند قانون‌گذار کنند که شورای نگهبان اگر چنانچه دید این مصوبه مجلس با موازین اولیه تطبیق ندارد، این خلاف شرع است، خودش ببیند آیا به مصلحت کشور هست؟ این معنایش دیگر قانون‌گذاری است. اصلاً کار قانون‌گذاری یعنی همین یعنی؛ اوضاع کشور را نگاه کنند، مصالح مملکت را، مشکلات را. اصلاً مجلس که قانون وضع می‌کند - یعنی - همین کار را می‌کند. مجلس

حکومتی را تبدیل کنیم به مطلق مصوبات مجلس، در صورتی که پس از طی مراحل قانونی بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان توافقی حاصل نشود... اعم باشد و اختصاص احکام حکومتی نداشته باشد...» آقای محمد یزدی هم به‌عنوان مخالف حذف معتقد است: «... اگر کلمه حکم حکومتی را از این‌جا برداریم و بگوییم مواردی که بین مجلس و شورای نگهبان توافق حاصل نشود، اصلاً این کار مجمع لغو خواهد شد... اگر عنوان مجمع تشخیص مصلحت است، حتماً باید مسایل، موارد احکام حکومتی باشد...»

آقای مشکینی در توضیح پیشنهاد خود می‌گوید: «طبیعی است که نمایندگان در رابطه با قانون اساسی مانند فقهای می‌مانند که از کتاب و سنت استفاده فروع می‌کنند. قانون اساسی مثل کتاب و سنت است مثلاً و نمایندگان از کلیات آن تفریعاتی استنباط می‌کنند... بعد در برابر این مستنبطین که فروعی را استنباط کرده‌اند، پنج - شش نفر دیگر، فقهاء دیگری، متخصصین دیگری، هم تعیین شده که آن‌ها هم بر استنباط این‌ها ناظر باشند. کانه آن‌ها هم یک عده مستنبطین هستند که از قانون اساسی مطالبی را استنباط می‌کنند. گاهی این دو طایفه طبیعی است که نظارشان در کیفیت استنباط با هم تخالف پیدا می‌کند و راه تخالف هم البته هم‌اشاره مربوط به احکام حکومتی نمی‌شود. تخالف گاهی در تطبیق کلی بر مصداق است. یعنی نماینده‌ها از کلی یک جور مصداق می‌فهمند، شورای نگهبان هم از کلی یک مصداق دیگر می‌فهمد...»

آقای عبدالله نوری در موافقت با پیشنهاد آقای مشکینی می‌گوید: «...اما اثر منفی که به نظر من این جمله دارد که اگر ما آمدم گفتیم تشخیص مصلحت نظام در موارد احکام حکومتی، مسلماً این یک قید احترازی و اضافی است که باید معنا بدهد. معنا دست شورای محترم

دایماً برای مملکت مصلحت‌اندیشی می‌کند از مجرای قانون‌گذاری. آن وقت کار ۲۷۰ نفر را به دست ۱۲ نفر بدهیم، [که] شش نفرش حقوقدان هستند که واقعاً تخصص آن‌ها تجزیه و تحلیل مسایل حقوقی است...» آقای هاشمی رفسنجانی هم در مخالفت با پیشنهاد امامی کاشانی می‌گوید: «این را که جناب عالی می‌فرمایید، ما یک بار داشتیم تو مجلس. امام از اول که به مجلس اجازه دادند که به‌عنوان ضرورت احکامی را صادر بکنند، آن دو تا قید داشته. این هم باید قید داشته باشد [و] هم موقت باشد. چون احکام ضروری را که نمی‌شود دایم آدم بگوید که به صورت یک قانون برای همیشه بماند، این هم حقی بود که امام می‌فرمودند موقت باشد. بعد هم ایشان حال روی یک مصلحتی می‌گفتند ۲۳ [آرای نمایندگان] باشد، که دیگر ما عملاً چنین کاری را نمی‌توانستیم بکنیم. بعد هم اشکال پیش آمد. حتی به این دو قید هم عمل می‌کردیم

مصلحت را ترتیب داده بود که اگر شورای نگهبان، خیلی بدون تعارف، رأی داد یا نداد، مشکل حل بشود. حالا ما می‌آییم دوباره سر نخ را می‌دهیم دست شورای نگهبان...»

به‌دنبال اظهارات آقای کروبی، آقای مؤمن در موافقت با پیشنهاد امامی کاشانی به یک موضوع اشاره می‌کند: «...در مسئله مجمع تشخیص مصلحت نامه‌ای که از امام هست همان طوری که فرمودند اشخاص را به نام اسم بردند، تنها در مورد شورای نگهبان، فرمودند فقهای شورای نگهبان. عنوان را برایش اصالت قایل شدند در مورد فقهای شورای نگهبان...»

در فراز پایانی مذاکرات آقای امینی می‌گوید: «آقای این اصل به این صورت درست نیست که تصویب بکنید... آخر یک خلاف شرعی است آقایان!» آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ می‌دهد: «یعنی دیگران بی‌دین

هاشمی رفسنجانی به عنوان موافق صحبت می‌کند: «این مصوبه هم مثل یکی از مصوبات ما دارد مظلوم می‌شود در این جلسه. از اعضای کمیسیونش بیشتر مخالفت می‌کنند. اشکالاتی که تا به حال شد؛ اشکال آقای امامی مخالفت با کلیات و اصلش بود. می‌شد هم این چنین مخالفتی بشود به همین دلیل که ایشان فرمودند. متها مخالفت‌شان دلیل درستی نداشت...»

به‌عنوان ضرورت با ۲۳ هم به شورای نگهبان می‌دادیم، چون اجازه دخالت در مصلحت را آن‌ها به خودشان می‌دادند. حالا می‌گویند ما نمی‌کنیم، ولی بسیاری از جاها رد می‌کردند؛ به خاطر مصلحت رد می‌کردند و موارد زیادی دارند که من می‌دانم دنبال بهانه می‌گشتند؛ چون مصلحت نمی‌دانستند این احکام [تصویب] بشود. به یک دلیلی مواردی را رد می‌کردند و به همین دلیل هم یک بهانه دیگری، بهانه حالا نباید می‌گفتیم، مستمسکی پیدا می‌کردند. ما عملاً شکست خوردیم در این که با قید ضرورت بتوانیم مصالح‌مان را با شورای نگهبان حل کنیم و این که بعدش مجمع تشخیص مصلحت آمد، به خاطر این بود که ما آن‌جا شکست خورده بودیم...»

هستند؟! خلاف شرع عمل می‌کنند؟ این چه حرفی است می‌زنید دیگر؟ این چه تعبیری است شما می‌کنید؟

امامی کاشانی می‌گوید: «جناب آقای هاشمی اجازه بدهید یک خرده در این باره مباحثه کنیم. تعبیر خلاف شرع بودن چیست که آقای امینی فرمودند؟»

آقای هاشمی در پاسخ می‌گوید: «آخر گفت که ما قبول نداریم آن حرف را. دو روز است داریم بحث می‌کنیم. بفرمایید آقای امامی، بگذارید ما کار کنیم.»

نهایتاً با ۱۶ رأی موفق، اصل ۱۱۲ قانون اساسی از تصویب شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود.

اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

منابع:

صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - جلد ۲، ص ۸۶۰ - ۸۳۴
- جلد ۳، ص ۱۵۶۰ - ۱۵۱۲

در ادامه مباحث شورای بازنگری، درباره ترکیب اعضای مجمع تصمیم‌گیری می‌شود. از جمله پیشنهادهایی که قابل توجه است، پیشنهاد آقای امامی کاشانی است: «به هر حال، متولی اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، فقهای شورای نگهبان هستند و حضرت امام هم فقها را به همین اعتبار گذاشتند. یعنی به اعتبار این که خب بالاخره وزیر مربوط می‌آید در آن جلسه، صحبت‌ها می‌شود و تصمیم‌گیری به‌عنوان یک مصلحت و یک حکم حکومتی و امثال این‌ها می‌شود... من پیشنهاد دارم که در آن چهاربند، آن بندی که مربوط به اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان است، فقهای شورای نگهبان از اعضای ثابت آن باشند.»

و آقای مهدی کروبی در مخالفت با این پیشنهاد می‌گوید: «...ما اصلاً مجمع مصلحتی نداشتیم، مجمع مصلحت را امام تشکیل داده. دقیقاً هم تشکیل داده در رابطه با این که مجلس با شورای نگهبان بالاخره به یک تفاهم نمی‌رسیدند و امام جوری هم مجمع